نگاه

نقد دولت یا نقد جامعه؟ (۱)

سیدیوسف مصطفوی

● روز بیست‌ودوم اردیبهشت در صفحه هفتم روزنامه «شرق» گزارش یک نشست از سلسله نشست‌هایی تحت عنوان «پرسش از جامعه، پاسخ از روشنفکران» به چاپ رسید که در جای خود، حاوی پرسش‌هایی بنیادین و جاندار و نیز پاسخ‌هایی کارشناسانه و حساب شده در باب مشکلات و معضلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه ایرانی بود. ظاهرا و بنا بر گزارشی که دست‌اندرکاران روزنامه تدارک دیده بودند جان کلام آقای سعید لیلاز به عنوان صاحبنظر در امور اقتصادی ایران، این است که نقد دولت و حکومت نوعی فرار به جلوست زیرا در تحلیل نهایی حکومت‌ها برآمده از مردم هستند. در این نگاه به مسایل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه ایرانی، در درجه نخست باید جامعه و مردم را مسبب و در نتیجه مسوول شرایط موجود تلقی کرد. این مسوولیت البته مستلزم نوعی اختیار گرایی و امکان تغییر وضعیت است. در واقع هر چند گفته شده ساختار اقلیمی-اجتماعی ایران همین است اما با توجه به قراینی دیگر به نظر می‌رسد سخن گوینده را نمی‌توان به «جبرگرایی تاریخی» بازگردانید چرا که همو در جایی دیگر و در ذیل عنوان بلای خانمانسوز نفت (که از فحوای این عبارت نیز نوعی تقدیرگرایی تراژیک به ذهن متبادر می‌شود) به صراحت بر امکان تغییر وضعیت – و نه سرنوشت – تاکید می‌کند و می‌گوید: «اگر خواهان ثبات هستیم باید به سمت تولید ثروت حرکت کنیم. بعد از تولید ثروت است که سیاست‌های «باز توزیعی» اهمیت می‌یابد.» به هر حال با صرف‌نظر از این نکته که آقای لیلاز دست‌کم در این عبارت نگاهی اقتصادگرایانه به مجموعه مسایل جامعه ایران دارد، می‌توان گفت که امکان تغییر وضعیت بر اساس کنش ارادی وجود دارد حال این کنش ارادی از کدام کنشگر باید سر زند، بحثی است که باید به تفصیل به آن پرداخت اما در هر صورت مانند برخی نظریه‌پردازان دیگر، تقدیری محتوم و تغییرناپذیر برای جامعه ایران فرض یا اثبات یا مصادره به مطلوب نشده است. البته شاهد این مدعا که دیدگاه صاحبنظر نامبرده به مسایل جامعه ایران اقتصادگرایانه است این ترجیع‌بند است که به تکرار بر زبان ایشان در همان نشست جاری شده مبنی بر اینکه اقتصاد، زیر بنای مسایل دیگر است یا ماده مقدم بر اندیشه است. بی‌تردید چنین پیش فرض‌های نظری کلان‌نگرانه را باید در یک نظام منسجم و هماهنگ چنان به کار بست که با دیگر عناصر و اجزا در تعارض و تناقض نباشد. با این همه آنچه از گزارش یاد شده، نقدا، به دست می‌آید از جمله این دو گزاره قابل درنگ و جدی است که نقد جامعه بر نقد دولت و تولید ثروت و توسعه اقتصادی بر دیگر مسایل مقدم است. اما ایستادن بر این جایگاه و نگریستن از این منظر به مسایل جامعه ایرانی، مطلوب همه نیست و کم نیستند صاحب‌قلمان و صاحبنظرانی که نه تنها نقد دولت را مقدم بر نقد جامعه می‌انگارند، بلکه فراتر از آن، باور به تقدم نقد جامعه را گریزگاهی برای تن‌زدن از نقد دولت می‌شمارند؛ چنان که در همان صفحه هفتم روزنامه «شرق» بیست و دوم اردیبهشت، ذیل ستون تامل، به عنوان چند نکته در حاشیه، صراحتا سخن از نقد دولت و نه جامعه رفته است. بازخوانی دوباره همه مطالبی که در صفحه یاد شده آمده یک پرسش را برای چندمین و چندمین‌بار برجسته می‌سازد و آن اینکه در پیدایش وضعیت موجود، دولت مقصر است یا جامعه و اگر هر دو مقصرند تقصیر کدام‌یک بیشتر است و سهم هر یک در نهایت چقدر است؟ هر یک از دو صاحبنظر گرامی که دیدگاه خود را در صفحه یاد شده منعکس کرده‌اند بی‌شک سخن‌های بسیار در این باب دارند و قطعا محدودیت‌های یک نشست یا یک ستون، مجالی برای طرح تمامی مبانی و استدلالات یا پاسخگویی به تمام شبهات و اشکالات ننهاده است. از این رو برای اداکردن حق مطلبی با این حساسیت و اهمیت که امروز و فردای جامعه‌ای گسترده و پیچیده و پرمساله مثل جامعه ما را نشانه رفته، اقتضا می‌کند که رشته بحث را همین‌جا رها نکنیم و اگر پاسخی برای این پرسش نمی‌یابیم دست‌کم در دقیق‌تر کردن صورت‌بندی مساله اندکی بکوشیم.

خبر

قرائت گزارش سفر پرهزینه احمدی‌نژاد به نیویورک

● **خانه‌ملت:** محمدعلی پورمختار، رییس کمیسیون اصل نودم مجلس در همین زمینه گفته که سفر رییس‌جمهور به نیویورک در سال گذشته، هزینه زیادی را به کشور تحمیل کرد. شکایت نادر قاضی‌پور در همین زمینه بررسی نهایی شده و گزارش آن آماده قرائت درصحن است و درصورتی که تخلفی تشخیص داده شود به قوه‌قضاییه ارجاع خواهد شد. پاسخ دولت به کمیسیون، درباره دلیل همراهی ۱۲۵ نفر از افرادی که ضرورتی به همراهی آنها نبوده، قانع‌کننده نبود و پاسخ‌ها کلی بود. به‌جز هزینه هواپیما، هزینه هر اتاق که در هتل محل اقامت رییس‌جمهور در اختیار همراهانش قرار گرفت، شبی ۴۰۰ تا ۷۰۰ دلار برآورد شده است. حضور این تعداد همراه درسفر به نیویورک ضروری نبود و بسیاری از همراهان، خانواده و اقوام مسوولان دولتی بودند.

احمدی‌نژاد: خرداد همواره حادثه‌خیز بوده است

بعضی نمی‌فهمند و فکر می‌کنند با نگاه امنیتی می‌توان کار کرد

ایسنا: رییس دولت با اشاره به حادثه‌خیزبودن ماه خرداد گفت: پیام حوادث خرداد، راه روشن آینده است. محمود احمدی‌نژاد ضمن افتتاح سه‌پروژه ارتباطاتی در شرکت ارتباطات زیرساخت در گفت‌وگویی به صورت ویدیو کنفرانس با سفیر ایران در سوریه گفت: اتفاقاتی که در خردادماه افتاده، همواره اتفاقات بزرگی بوده است. امام(ره) نیز اشاره دارند که انتظار فرج از نیمه‌خرداد کشم و خودشان نیز در خردادماه به آسمان پرکشیدند. احمدی‌نژاد تاکید کرد: پیام حوادث خرداد، راه روشن آینده است. وی با اشاره به حوادث سوریه، ابراز امیدواری کرد که در آینده، جهانی فارغ از ستم و ظلم و سرشار از مهربانی و کرامت برای انسان‌ها داشته باشیم و با برگزاری انتخابات آزاد و احترام به حقوق مردم و کنارگذاشتن سلاح در سوریه، شاهد همبستگی و یکپارچگی سوریه باشیم. وی تاکید کرد: اینکه برخی فکر می‌کنند که ارتباطات را محدود کنیم آدم‌ها حفظ می‌شوند، حرف غلطی است، اگر فکر کنیم که اینگونه درست است، باید به خودمان شک کنیم، کدام اندیشه می‌تواند برتر از اندیشه حق و اندیشه الهی باشد، کدام اندیشه از اسلام ناب می‌تواند برتر باشد؟ اگر کم می‌آوریم مشکل از ما است، احکام الهی عدالت و پاکی در جامعه رشد یافته و امکان اجرا دارد. وی با بیان اینکه گسترش ارتباطات می‌تواند مزایای بسیاری برای کشورمان داشته باشد، گفت: بعضی نمی‌فهمند و فکر می‌کنند با نگاه امنیتی می‌توان کار کرد. در حالی که اگر در مسیر اصلی ارتباطات باشیم، اتفاقا امنیت ما بالا می‌رود و به غیر از اهداف اقتصادی، در جهت اهداف انسانی ما نیز هست. ایرانی‌ها هر چقدر ارتباط داشته باشند به نفعشان است. ایران هرگز از ارتباط، ضرر نکرده، بلکه ایرانیان، برون‌گرا هستند. وی گفت: برخی چون خود کوچکند، ملت ما را هم کوچک می‌پندارند، ما حقیقت اسلام را گرفتیم، اگر به مدعیان گوش می‌دادیم، چیزی نداشتیم. کسانی که الله‌اکبر می‌گویند در مقابل دوربین سر می‌برند؛ یعنی همان تعصبات هزارو۴۰۰سال پیش. ایرانی‌ها حقیقت اسلام را گرفتند و پایش ایستادند و این ناسیونالیسم نیست، ذکر نعمت خدا است. خدا این سرزمین و مردمانش را صیقل داده است و آنان را برای ابلاغ یک پیام بزرگ فرصت داده است، کسی که پیام جهانی دارد باید ارتباط برقرار کند. احمدی‌نژاد با تاکید بر ضرورت گسترش ارتباطات گفت: آدم‌های کوچک را باید از سر راه برداریم، آدم‌های کوچک نمی‌توانند در سطح ملی و بین‌المللی بیندیشند، من ایمان دارم که در آینده نزدیک، ایران مرز دانش خواهد شد.

زیباکلام در گفت‌وگو با «شرق» بررسی کرد

صف‌بندی انتخاباتی در غیاب هاشمی

عکس: مهدی حسنی، شرق

اعظم ویسمه

شایعه‌ای این روزها دهان به دهان بین مردم و در سایت‌های خبری می‌چرخد که «سعید جلیلی» نامزد مورد حمایت نظام است. این شایعه آنقدر بالا گرفته که برخی اصولگرایان هم به میدان آمده و سعی در رفع آن دارند. «صادق زیباکلام» استاد دانشگاه تهران و تحلیلگر مسایل سیاسی اما نظر متفاوتی در این خصوص‌دارد. به اعتقاد زیباکلام همه ماجرای شایعه‌سازی درباره جلیلی و اینکه او گزینه نظام است به نفع تیم «قالیباف» تمام می‌شود. زیباکلام معتقد است با کنار گذاشته شدن آیت‌الله هاشمی از انتخابات شانس قالیباف چند برابر شده و بهترین حالت برای او این است که گزینه‌ای همچون جلیلی رقیبش باشد. مصاحبه «شرق» با استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران را در ادامه می‌خوانید:

شایعه‌ای این روزها در فضای سیاسی کشور مطرح شده که از سعید جلیلی به‌عنوان گزینه مورد حمایت نظام یاد می‌شود. شما این تحلیل را قبول دارید؟

من یک نکته را قبول دارم و آن این است که از میان تمام نامزدهای وابسته به طیف اصولگرا آقای جلیلی با نگاه ایدئولوژیک و جهان‌بینی‌ای که دارند نزدیک‌ترین گفتمان به اصولگرایان را دارند. ایشان جریانی را به‌عنوان «خط مقاومت» در انتخابات به میان آورده است. وقتی این خط مقاومت را بررسی می‌کنید عملا تداوم گفتمان سال ۸۴ آقای احمدی‌نژاد است. البته بخش‌هایی از این گفتمان به دلیل شرایط امروز دچار تغییر شده است. به دلیل آنکه آقای هاشمی‌رفسنجانی در این انتخابات حضور ندارد، مباحثی همچون مبارزه با اشرافی‌گری، ساده‌زیستی، مبارزه با فساد از سوی جلیلی مطرح نمی‌شوند. اگر جلیلی امروز این شعارها را مطرح کند، مخاطب او رقبایی چون حدادعادل، قالیباف، غرضی، ولایتی و رضایی می‌شوند. بنابراین، این بخش از ادبیات گفتمان مقاومت جلیلی حذف شده و به‌جای آن ادبیات دیگری وارد شده است.

این احتمال که جلیلی گزینه احمدی‌نژاد باشد و دولت، چراغ خاموش از جلیلی حمایت کند، چقدر محتمل است؟

من قبول ندارم که احمدی‌نژاد در تمام این مدت مشکلات و دردسرهای آوردن مشایی به صحنه را قبول کرده باشد یا از بهار سخن گفته باشد که بخواهد از جلیلی حمایت کند.

اگر دبیری شورایعالی امنیت ملی را به عنوان کار اجرایی بپذیریم، جلیلی گزینه‌ای بوده که احمدی‌نژاد وارد کار اجرایی کرده و در تمام این مدت هم هیچ انتقادی از سوی جلیلی به عملکرد احمدی‌نژاد و دولت مطرح نشده است.

من یک نکته را قبول دارم که گفتمان سعید جلیلی به احمدی‌نژاد نزدیک است. گفتمان هیچ‌یک از نامزدهای‌دیگر انتخابات به احمدی‌نژاد نزدیک نیست. ضمن اینکه اگر جلیلی وضعیت اقتصادی کشور را زیر سوال ببرد عملکرد خودش و همکارانش در این هشت‌سال را زیر سوال برده است. روز جمعه در ورزشگاه شیرودی در مراسم ستاد آقای جلیلی اگر دقت کنید چهره‌ها و شخصیت‌هایی پشت سر جلیلی حضور داشتند که در انتخابات سال ۸۴ گفتمان سه تیر را راه انداختند و این گفتمان موجب پیروزی احمدی‌نژاد شد. می‌خواهم بگویم بخشی از جریان‌های اصولگرایان پشت سر جلیلی قرار گرفته‌اند. اما جریان‌هایی همچون آیت‌الله مهدوی‌کنی و شیخ محمد یزدی اصراری روی گزینه جلیلی ندارند. تمایل آنها و برخی جناح‌های اصولگرا همچون حزب موتلفه، جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، روی ولایتی است. از سوی دیگر جبهه پایداری به رهبری آیت‌الله مصباح یزدی هم حامی لنکرانی بودند و تمایلی به جلیلی ندارند. در سال ۸۴ اما تمام طیف اصولگرا پشت سر احمدی‌نژاد بودند. این یکدستی در سال ۸۴ وجود داشت اما امروز بین اصولگرایان دیده نمی‌شود.

ارزیابی شما از احتمال موفقیت سعید جلیلی در انتخابات و اجماع اصولگرایان در لحظه آخر روی او چیست؟

فکر نمی‌کنم این اتفاق رخ دهد. جلیلی رای چندانی ندارد. من جلیلی را گزینه نظام یا همه اصولگراها، نمی‌دانم. تفاوت دیگری که جلیلی با احمدی‌نژاد سال ۸۴ دارد این است که هاشمی وجود ندارد تا جلیلی با مانور بر بحث محرومان و مبارزه با اشراف‌گرایی جذب آرا کند.

جلیلی بیشتر «خط مقاومت» را در انتخابات مطرح کرده که به نظر می‌رسد با شعارهای احمدی‌نژاد در ۸۴ فاصله دارد.

تا این لحظه در تمام صحبت‌های جلیلی هیچ کلامی در مورد تورم و گرانی نیست. ایشان هیچ نظری درباره بیکاری، فساد اقتصادی، ورشکستگی بنگاه‌های اقتصادی، کاهش ارزش پول ملی، خروج سرمایه از کشور ندارد. جلیلی حتی به مسایل اجتماعی هم نمی‌پردازد. انگار نه انگار که این مشکلات برای کشور ایران است. ایشان تنها به خط مقاومت که شامل استکبارستیزی و احیای خط انقلاب است تاکید می‌کند. احمدی‌نژاد در سال ۸۴ به مسایل و مشکلات جامعه هم می‌پرداخت.

به نظر شما کنارگذاشتن هاشمی‌رفسنجانی از انتخابات به نفع کدام‌یک از گزینه‌های اصولگرا در انتخابات تمام شد؟

من معتقدم با حذف هاشمی‌رفسنجانی از انتخابات، آرای جلیلی به هیچ‌وجه افزایش نیافت. با حذف هاشمی‌رفسنجانی شانس قالیباف زیاد شده است. هر چه جلیلی بیشتر و بیشتر به‌عنوان نامزد اصولگرایان و نظام معرفی شود شانس قالیباف برای پیروزی در انتخابات افزایش می‌یابد. جریان رقیب اصلی جلیلی در انتخابات نه ولایتی، نه غرضی، نه حدادعادل، نه رضایی بلکه قالیباف است. تمام کاستی‌ای که جلیلی در جذابیت و جذب مخاطب در سخنرانی دارد، قالیباف برای مخاطب جبران می‌کند. قالیباف از خدا می‌خواست که رقیب او فردی مانند جلیلی باشد. تا یک‌هفته پیش قالیباف با کابوس هاشمی مواجه بود که می‌توانست تمام رویاهای او را نقش بر آب کند. اکنون با کنار گذاشته‌شدن هاشمی گزینه‌ای مقابل قالیباف قرار گرفته که شانس او را چندبرابر کرده است. به نظر می‌رسد تمام موازنه‌ها و علایم به نفع قالیباف شده است.

پس به اعتقاد شما در این انتخابات، دو قطبی جلیلی – قالیباف با برتری قالیباف در انتخابات شکل گرفته است؟

نه به اعتقاد من دوقطبی نخواهد شد. زیرا به نظر می‌رسد، وضعیت به نفع قالیباف است.

در این میان شانس گزینه‌های نزدیک به اصلاح‌طلبان آقایان عارف و روحانی چگونه ارزیابی می‌شود؟

اصلاح‌طلبان وقتشان را تلف می‌کنند. بدنه اصلاح‌طلبان ذیل جریان اصلاح‌طلبی آن که ۲۰میلیون‌رای در سال ۷۶ به خاتمی داد یا ۱۰ میلیون رای هاشمی در دور دوم انتخابات سال۸۴ یا ۱۳ میلیون رای سال۸۸ را در این دوره نخواهد داشت. اساسا در این انتخابات این جریان شرکت نخواهد کرد و اگر شرکت کند به عارف و روحانی رای نخواهد داد چون می‌دانند رای آنها تلف می‌شود. اگر افرادی از جریان اصلاح‌طلبی در انتخابات شرکت کنند به قالیباف رای می‌دهند.

اگر بین نامزدهای نزدیک به جریان اصلاح‌طلبی اجماع حاصل شود، باز فکر می‌کنید در انتخابات تاثیرگذار نخواهند، بود؟

من معتقدم اجماعی بین عارف و روحانی شکل نخواهد گرفت و خاتمی و هاشمی هم به هیچ‌وجه از هیچ‌کدام آنها حمایت نخواهند کرد.

با توجه به صحبت‌هایی که به‌تازگی از قالیباف در رسانه‌های خارجی منتشر شد فکر می‌کنید در جبهه اصلاحات تمایلی به قالیباف باشد؟

معتقدم از بین همه این نامزدهای جبهه اصولگرا، قالیباف به آنها نزدیک‌تر است. من از مهر سال گذشته گفتم بهتر است که اصلاح‌طلبان نامزد خودشان را کنار بگذارند و پشت سر ناطق نوری یا قالیباف بروند. آقای ناطق نوری که در انتخابات حاضر نشد اما قالیباف همچنان گزینه پیش روی این جریان است. جالب است که نزدیکان آقای قالیباف با من تماس می‌گیرند و می‌گویند تو اگر درباره قالیباف صحبت نکنی بهترین خدمت و کمک را کرده‌ای. اما واقعیت امر این است که اگر قالیباف رییس‌جمهور شود، چاره‌ای ندارد که اقتصاد کشور را در مسیر توسعه حرکت دهد. در این راستا توسعه سیاسی را هم به صورت اجتناب‌ناپذیری پیش می‌برد.

ائتلاف‌های بدون خروجی

شرق: داستان ائتلاف اصولگرایان این روزها شبیه قصه‌های هزارویک‌شب شده؛ قصه‌ای دنباله‌دار که با غروب خورشید آغاز می‌شود و هر بامداد به ماجرایی تازه گره زده می‌شود تا شنونده را در تعلیقی دوباره در انتظار «پایان خوش» به دنبال خود بکشد. از ماه‌ها پیش همه نامزدهای «احساس تکلیف» کرده اصولگرا بر ضرورت ائتلاف تاکید داشتند. نامزدهای صاحب‌نام‌تر این طیف از زمستان گذشته در ائتلاف‌های موسوم به (۱+۲) و (۲+۳) متشکل شدند. قرار بود جمع جبری هریک از ائتلاف‌ها در نهایت «یک» باشد تا گزینه واحد اصولگرایان در برابر نامزد حداکثری اصلاح‌طلبان به میدان بیاید. آن روزها تصور می‌شد صفحه شطرنج انتخابات پیش‌روی ریاست‌جمهوری «سه‌قطبی» است؛ اصلاح‌طلبان، اصولگرایان و گزینه دولت. اکنون اما آرایش سیاسی دستخوش تغییراتی عمده شده است. از یک سو گزینه حداکثری اصلاح‌طلبان از ادامه رقابت بازمانده و از دیگر سو، نامزد مورد حمایت دولت با وجود هیاهوی بسیار از گردونه حذف شده است. این همه در حالی رخ داد که ائتلاف (۱+۲) پیش از نواخته‌شدن سوت آغاز رقابت در میان دو سنگ آسیاب رخدادهای درونی و بیرونی عملا مستهلک شده است. این ائتلاف شامل دو عضو جامعه روحانیت مبارز (پورمحمدی و ابوترابی‌فرد) و سه عضو جبهه پیروان خط امام و رهبری (باهنر، آل‌اسحاق و متکی) بود. ابوترابی‌فرد گزینه نهایی ائتلاف، داوطلبانه کنار کشید و متکی که به سازوکار ائتلاف تمکین نکرده بود، پشت سد شورای نگهبان متوقف شد. اما تکلیف ائتلاف (۱+۲) که شامل ولایتی، قالیباف و حدادعادل است و بانیانش دوست دارند آن را «ائتلاف پیشرفت» بنامند، همچنان نامشخص است. ۱۸ روز مانده تا موعد رای‌گیری، هر سه نامزد با تمام توان سرگرم سفرها و همایش‌های تبلیغاتی هستند و با وجود اشاره گاه‌وبیگاه‌شان به پایبندی بر سازوکار ائتلاف کمترین نشانه واقعی در مورد کناره‌گیری به نفع دیگری بروز می‌دهند. آخرین تحول کناره‌گیری «حسین مظفر» رییس ستاد ائتلاف در اعتراض به معرفی نشدن نامزد منتخب این ائتلاف، از سمتش بود. مظفر با ارسال استعفایش به مهدی خاموشی، دبیر این ائتلاف سه‌نفره گفت: «ادامه بلاتکلیفی و به تاخیرانداختن معرفی فرد واجدشرایط تا بعد از مناظره‌های صدا وسیما، باعث سرگردانی هواداران و جذب آنها به سوی نامزدهای دیگر خواهد شد.»

الو شرق ۸۸۹۸۶۸۳۸

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **آزادراه یک طرفه تهران- شمال:** چندی پیش خبر افتتاح یکی از فازهای آزادراه تهران-شمال منتشر شد که توسط آقای احمدی‌نژاد افتتاح شد اما این اتوبان به صورت یک‌طرفه راه‌اندازی شده است و هنوز مرحله چالوس به سمت آزادراه تهران راه‌اندازی نشده چرا دولت این اتوبان را در شرایطی که نیمه‌کاره است افتتاح کرده است؟ با توجه به شرایط انتخاباتی کشور چه تضمینی وجود دارد که ادامه کار به سرعت انجام شود؟

یک شهروند

● **خدمات ضعیف پس از فروش:** گلایه‌ای داشتم از خدمات پس از فروش یک شرکت خارجی. متاسفانه موقع خرید با هزار ترفند مشتری را جذب می‌کنند ولی موقع خدمات پس از فروش امروز و فردا می‌کنند. بنده یک ماشین لباسشویی و ظرفشویی خریداری کردم و برای نصب، چندین‌بار با این شرکت تماس گرفتم، متاسفانه روز مشخصی را تعیین نمی‌کنند و می‌گویند معلوم نیست و مشتری‌ای که شاغل است برای نصب یک وسیله خانه، باید یک هفته معطل شود.

یک شهروند

● **یک نظر در مورد سایت «شرق»:** اول تشکر می‌کنم از شما که به نسبت خیلی از روزنامه‌ها سایت خوبی دارید و نکته دیگر اینکه جدول و آمار و ارقامی که در یک مطلب ارایه می‌شود دیگر در سایت قابل دیدن نیست. لطفا فکری به حالش بکنید.

شرق: با تشکر از شما مخاطب گرامی که با دقت پیگیر مطالب روزنامه هستید. پیشنهاد می‌کنیم که از گزینه پی‌دی‌اف برای مشاهده صفحات استفاده کنید. به دلیل سنگین‌شدن سایت از انتشار جدول‌ها به صورت پی‌دی‌اف معذوریم.

● وقت آن فرا نرسیده که مسوولان فکر اساسی برای گرانی‌ها بکنند. چرا مردم هر روز باید با قیمت‌های جدید مواجه شوند. در سال جدید حقوق‌ها ۲۵درصد افزایش پیدا کرد یعنی حدود صدهزار تومان افزایش. من با دو فرزند محصل چگونه می‌توانم زندگی‌ام را اداره کنم؟ با تمام‌شدن فصل امتحانات اوقات فراغت آنها را چطور فراهم کنم؟ با این حقوقی که ماهانه دریافت می‌کنم یا باید شکم آنها را سیر کنم یا آنها را به سفر ببرم یا در کلاس‌های آموزشی ثبت‌نام کنم.

یک شهروند

● آیا این بیمار جنسی و شکنجه‌گر کودک معصوم که با داشتن زن و بچه به این جنایت دست زده، نباید تنبیه شود؟ تا کی باید شاهد کوتاه‌آمدن با چنین بیماران جنسی باشیم؟

یک ایرانی